

**حوادث کوتاه**
**فرار دختر ایرانی به افغانستان با بازگشت از فرانسه**

دختر جوان پس از بازگشت از فرانسه به ایران، دلپاخته مرد جوان شد و با فرار از خانه به افغانستان رفت. سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودزی رئیس پلیس آگاهی پایتخت، گفت: اواسط خرداد ماه سال جاری، مرد میانسالی هراسان به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت، همراه دخترم به تازگی از فرانسه به ایران آمده بودیم؛ در روزهای اول سفرمان به سفارت افغانستان مراجعه کردیم و پس از پایان پروسه کارهای شخصی در سفارت ناگهان دخترم ناپدید شد و در این مدت نیز با تمامی آشنایان تماس گرفتیم اما کسی از او خبری ندارد. وی افزود: پس از تشکیل پرونده در دایره چهارم پلیس آگاهی (ویژه فقدان) تیمی زنده از کارآگاهان راهی محل زندگی دختر جوان در تهران شدند و با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم پی بردند، دختر کمشده با یک مرد جوان به‌صورت پنهانی ارتباط داشته و نقشه فرار خود را از قبل در کشور فرانسه طراحی کرده است. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ عنوان کرد: کارآگاهان در نخستین گام با اقدامات اطلاعاتی متوجه شدند، دختر کمشده توسط مرد جوان اهل کشور افغانستان در فضای مجازی با شگرد ازدواج اغفال شده و فرار کرده است که همین سرخ کافی بود تا کارآگاهان با روش‌های علمی و اقدامات اطلاعاتی، هویت متهم را در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی کنند. این مقام انتظامی تصریح کرد: کارآگاهان در گام بعدی با بررسی‌های تخصصی متوجه شدند، دختر اغفال شده به همراه متهم به کشور افغانستان رفته و آنها اکنون در آنجا حضور دارند. سرهنگ کارآگاه ولیپور گودزی خاطرنشان کرد: خانواده دختر کمشده پس از اینکه متوجه شدند دخترشان در افغانستان حضور دارد راهی کشور موردنظر شدند تا او را پیدا کنند.

**پایان فرار قاتل مسلح کرمان در یک قدمی کرج**

قاتل فراری بعد از درگیری خونین کرمان در مسیر کرج دستگیر شد. سردار روانپزش جانشین فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: اوایل سال جاری، در یک درگیری دسته جمعی در یکی از خیابان‌های شهر کرمان، مردی ۳۸ ساله در اثر اصابت گلوله به قتل رسید که در بررسی‌های میدانی پلیس آگاهی، هویت اکثر افراد حاضر در صحنه جرم شناسایی و چند نفر از این افراد در همان ساعات اولیه دستگیر شدند. وی افزود: در ادامه تحقیقات تخصصی مشخص شد یک تعداد از بستگان این متهم به سمت ۲ استان دور از هم حرکت کرده‌اند که در پی واکاوی این اقدام و ردی‌های بعدی، مخفیگاه قاتل فراری در یکی از استان‌های شمالی کشف و در پی اخذ نیابت قضایی و اعزام تیمی از مأموران پلیس آگاهی به این محل مشخص شد متهم مورد نظر با یک دستگاه خودرو به سمت شهرستان کرج در حرکت است. جانشین فرمانده انتظامی استان کرمان تصریح کرد: در این راستا به سرعت هماهنگی لازم با پلیس آگاهی کرج انجام و این متهم طی عملیاتی در امتداد یکی از محورهای مواصلاتی این شهرستان دستگیر و در تحقیقات تکمیلی به بزه انتسابی اقرار و سلاح شکاری به کار رفته در قتل نیز از مخفیگاهش در کرمان کشف شد.

**بازداشت ۲ فروشنده مشروبات الکلی مسموم در هرمزگان**

۲ نفر از عوامل اصلی تهیه و توزیع مشروبات الکلی مسموم در حاجی‌آباد دستگیر شدند. مجتبی فرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان گفت: به دستور دادستان عمومی و انقلاب حاجی‌آباد، مأموران انتظامی در عملیاتی غافلگیرانه ضمن شناسایی یک محل تهیه، نگهداری و فروش مشروبات الکلی دست‌ساز در این شهرستان، ۲ نفر از عوامل اصلی تهیه و توزیع مشروبات الکلی مسموم را شناسایی و دستگیر کردند. وی افزود: با توجه به حساسیت موضوع به علت مسمومیت حدود ۱۱ نفر در این رابطه، به دستور مقام قضایی، تحقیقات فنی و پلیسی از متهمان باافاصله از همان لحظه دستگیری آغاز شده است. وی در ادامه افزود: تحقیقات و اقدامات دستگاه قضایی و پلیس برای شناسایی و دستگیری سایر متهمان این پرونده ادامه دارد که نتایج آن متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد. رئیس کل دادگستری هرمزگان با بیان اینکه برای پیشگیری از آسیب‌های بیشتر اطلاع‌رسانی از طریق دانشگاه علوم پزشکی استان نیز صورت گرفته است، بر لزوم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و نظارت جدی خانواده‌ها بر رفتارهای فرزندان نیز تأکید کرد و آموزش پیامدهای سوء مصرف مشروبات الکلی به نوجوانان و جوانان، توجه به آموزه‌های دینی و مراقبت در استفاده از فضای مجازی را در این راستا، حائز اهمیت برشمرد. براساس اعلام رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بر اثر مصرف مشروبات دست‌ساز حاوی الکل متانول تاکنون ۱۱ نفر در شهرستان حاجی‌آباد مسموم و راهی بیمارستان شده‌اند.

**۲ خواهر قصاص برادرشان را خواستار شدند**

# راز کشتایی از جسد سوخته در جاده چالوس

پسر جوان از دیدن صحنه کتک خوردن‌های پیاپی مادرش از سوی پدر زنج می‌کشید تا اینکه دست به اقدامی وحشتناک زد. این پسر بعد از قتل پدرش با همدستی مادر، جسد را در جاده چالوس به آتش کشید.

**خواهران قصاص می‌خواهند**  
 این مادر و پسر در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کردند که دو دختر قربانی برای آنها اشد مجازات خواستند.

پسر جوان که با حکم قضایی به قصاص محکوم شد، می‌گوید: بدرفتهای پدرم از من یک قاتل ساخت.

**ناپدید شدن پدر یک خانواده**  
 به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از تابستان سال ۱۴۰۰ به دنبال ناپدید شدن مرد ۵۷ ساله‌ای به نام ابراهیم آغاز شد. دختر وی که به پلیس آگاهی رفته بود، گفت: پدرم چند روز پیش برای کاری از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. گوشی موبایل پدرم خاموش است و ما می‌ترسیم بلایی سرش آمده باشد.

پسر جوان از دیدن صحنه کتک خوردن‌های پیاپی مادرش از سوی پدر زنج می‌کشید تا اینکه دست به اقدامی وحشتناک زد. این پسر بعد از قتل پدرش با همدستی مادر، جسد را در جاده چالوس به آتش کشید.

**خواهران قصاص می‌خواهند**  
 این مادر و پسر در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کردند که دو دختر قربانی برای آنها اشد مجازات خواستند.

پسر جوان که با حکم قضایی به قصاص محکوم شد، می‌گوید: بدرفتهای پدرم از من یک قاتل ساخت.

**ناپدید شدن پدر یک خانواده**  
 به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از تابستان سال ۱۴۰۰ به دنبال ناپدید شدن مرد ۵۷ ساله‌ای به نام ابراهیم آغاز شد. دختر وی که به پلیس آگاهی رفته بود، گفت: پدرم چند روز پیش برای کاری از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. گوشی موبایل پدرم خاموش است و ما می‌ترسیم بلایی سرش آمده باشد.

نشانی می‌داد در محل دیگر کشته و سپس جنازه‌اش در جاده چالوس به آتش کشیده شده است.

جسد سوخته با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران برای رازگشایی جنایت به تکاپو افتادند. در این میان نشانی‌هایی که خانواده ابراهیم از او ارائه داده بودند با نشانی‌های جسد ناشناس در جاده چالوس مطابقت داشت.

بدین ترتیب آنها به سردخانه پزشکی قانونی رفتند و جسد پدرشان را شناسایی کردند.

**اعتراف تلخ همسر مقتول**  
 در این میان مأموران به بازجویی از خانواده ابراهیم پرداختند و به اختلاف‌های دنباله‌دار وی و همسرش به نام زهره پی بردند.

اما تناقض‌گویی‌های این زن، شک پلیس را برانگیخت و سرانجام زهره ۴۵ ساله پرده از راز این جنایت خانوادگی برداشت.

وی گفت پسر ۲۵ ساله‌اش آریین، پدرش را کشته است.

با اطلاعاتی که این زن به پلیس داده بود، آریین ۲۵ ساله بازداشت شد و به قتل پدرش اعتراف کرد.

**اعتراف به قتل پدر**  
 وی گفت: پدرم مرد بدخلقی بود و همیشه با مادرم درگیری داشت. او سر هر موضوعی مادرم را به باد کتک می‌گرفت و من از رفتارهای او ناراحت بودم. آخرین بار

از حساب بانکی پدرم ۱۰ میلیون تومان برداشت کردم. اما وقتی پدرم به ماجرا پی برد بشدت عصبانی شد. او می‌گفت من و مادرم برای برداشت پول از حساب او همدستی کرده‌ایم. پدرم، مادرم را مقابل چشم‌مان بشدت کتک زد و مرا از خانه بیرون انداخت، غرورم شکسته شد و تصمیم به انتقام گرفتم. من به پدرم قرص خواب‌آور خوراندم و در حالی که نیمه جان بود، او را به جاده چالوس بردم. مادرم در قتل دستی نداشت و فقط در آتش زدن جسد به من کمک کرد.

رفتارهای بد پدرم از من قاتل ساخت. زهره نیز در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: من از نقشه قتل شوهرم هیچ اطلاعی نداشتیم. پسرم به من گفت به پدرش قرص خواب‌آور خورانده است و جسد شوهرم در صندوق عقب ماشین قرار دارد. او گفت که می‌خواهد جسد را به جاده چالوس ببرد. من که از شنیدن حرف‌های پسرم شوکه شده بودم با او همراه شدم و در حمل جسد و آتش زدن آن مشارکت کردم.

**حکم قصاص**  
 در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده، آریین را به قصاص و به خاطر جنایت بر میت به پرداخت دیه محکوم کردند. زهره نیز به خاطر معاونت در قتل ۱۰ سال زندان محکوم شد.


**صاحب باغ در خراج زندگی می‌کند**
**دسیسه یک زن و ۲ مرد**
**برای فروش باغ میلیاردی**


نکبهان یکی از باغ‌های بزرگ شهریار سناریوی شومی داشت که توسط پلیس رازگشایی شد.

این مرد که با سناریویی از پیش طراحی شده با همدستی یک زن و مرد توانسته بود باغ صاحب‌کارش را به چندین نفر بفروشد با تلاش مأموران دایره مبارزه با جرایم سرقت و کلاهبرداری شهریار شناسایی و دستگیر شد.

**خریدهای زنجیره‌ای یک باغ**  
 به گزارش «ایران»، یک ماه پیش در جریان شکایت چندین مالباخته که مدعی بودند پس از خرید زمین باغ متوجه شدند این ملک خریداری شده مدارکش جعلی است، تیمی از کارآگاهان برای کشف این پرونده کلاهبرداری تشکیل شد.

**ردپای یک زن و ۲ مرد**  
 در تحقیقات گسترده کارآگاهان توانستند هویت دو مرد و یک زن را به‌عنوان کلاهبردار کشف و شناسایی کنند.

در نخستین گام مردی به نام مجید که آشنایی کامل به مسائل حقوقی داشت در رابطه با این پرونده دستگیر شد. اما وی که در ابتدای بازجویی‌ها سعی داشت با ترندهای حقوقی موضوع کلاهبرداری را انکار کند در ادامه بازجویی‌ها سرانجام به جرم‌اش اعتراف کرد و دو همدستش را نیز معرفی کرد.

زن جوانی که به‌عنوان همدست و چهره فریبنده اجرای نقشه همراه آنها بود نیز شناسایی و بازداشت شد.

وی به مردم و خریداران املاک توصیه کرد قبل از خرید املاک در عناوین مختلف حتماً با استعلام از صحت وجود واقعی اسناد املاک از طریق اداره ثبت و اسناد محل احتیاطی بود، شناسایی شد. این متهم که با هویت جعلی در یک کمپ ترک اعتیاد در همان محدوده شهریار زندگی مخفیانه‌اش را شروع کرده بود، شناسایی و دستگیر شد.

این متهم که نکبهان یک باغ بزرگ در شهریار است، درباره ترغیب کلاهبرداری‌اش اظهار داشت: سال‌ها نکبهان این باغ بزرگ بودم که صاحبش خارج از کشور بود و هیچ اطلاعی از املاک خودش نداشت. پس از مدتی سوسه‌سوسه شدم و با همدستی یکی از دوستانم که آشنایی زیادی با مسائل حقوقی دارد و یک زن سناریویی فروش این باغ که آن را به قطعات مختلف تقسیم کرده بودیم، طراحی و اجرایی کردم.

سردار عزیزی فرمانده انتظامی غرب استان تهران در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» درباره ارزش ریالی کلاهبرداری این کلاهبرداران گفت: تاکنون این متهمان به ۱۵۰ میلیارد ریال کلاهبرداری اعتراف کردند و مالباختگان نیز به‌طور شگفت‌انگیز از آنها پرداخته‌اند.

رئیس پلیس غرب استان تهران با هشدار به افراد سودجو در اجرای نقشه‌های فروش املاک غیرگفت: پلیس قاطعانه این افراد را شناسایی و دیریا زود آنها را دستگیر خواهد کرد و هیچ راه گریزی از قانون نخواهد داشت.

زن بی‌حجاب که در یکی از خیابان‌های رشت به خانم چادری حمله کرده بود، دستگیر شد.

به گزارش «ایران»، آنها اصلاً همدیگر را نمی‌شناختند. دو زن جوان ایرانی که باید جز حسن همشهری بودن و هم‌وطنی و همدلی در دل‌شان نسبت به همدیگر نداشته باشند اما شاید تبلیغات ضد فرهنگی این روزها که در رسانه‌های معاند انجام می‌شود و عده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سبب شد خانم بی‌حجاب نسبت به خانم چادری کینه کور و بی‌دلیلی به دل بگیرد و با سوزن و بی‌بندی به او حمله کند.

**کلیب تلخ**  
 از ماجرای کلیب منتشر شده‌ای در فضای مجازی حرف می‌زنیم که دیدن آن چند ثانیه خاطر هر بیننده‌ای را مکدر می‌کند. فرقی هم نمی‌کند عقیده بیننده چه باشد چون در این کلیب صحنه زمین خوردن و آسیب دیدن یک کودک را شاهد هستیم که نه از بدی‌های روزگار چیزی می‌داند و نه در قلب کوچک‌اش کینه مفهومی دارد.

در این کلیب می‌بینیم که زن جوانی داخل یک خیابان می‌دود و شال سفید رنگش دور گردنش افراشته است. وی با سرعت خودش را به یک خانم چادری جوان می‌رساند که ۳ فرزند قد و نیم قدش همراه او هستند.

زن بی‌حجاب به این خانم محجبه حمله کرده و چادر او را از سر می‌کشد. سپس با کفش خود چند ضربه به سر و صورت این زن می‌زند. اما مشخص نیست چه چیزی باعث شده است که این زن چنین اقدامی علیه خانم چادری انجام دهد.

یکی از فرزندان کوچک خانم چادری که چادر سادش را گرفته بود تا در شلوغی خیابان گم نشود پا کشیده شدن چادر ناگهان به شدت زمین می‌خورد و در این کلیب مردم سعی دارند به تمام شدن غائله کمک کنند.

بعد از انتشار این کلیب مشخص شد که این حادثه در یکی از خیابان‌های رشت رخ داده بود و پلیس خبر دستگیری زن مهاجم را منتشر کرد. بعد از آن خانم چادری در گفت‌وگویی جزئیات ماجرا را شرح داد و پشت‌پرده این حادثه روشن شد. این زن جوان گفت: «شب حادثه همسرم با من تماس گرفت و قرار شد بعد از برگشتن او از محل کارش، ۳ پسرمان را به گردش ببریم. من به ایشان گفتم که تا سر خیابان می‌آیم که زودتر به هم برسیم. با بچه‌ها در حال قدم زدن تا سر خیابان بودیم که خانمی که به همراه ۲ خانم دیگر در خودرو نشسته بودند شروع به اعتراضی به من کردند. این طور که از حرف‌هایش متوجه

**پشت پرده حمله زن**
**بی‌حجاب به خانم**
**چادری**


شدم برای او پیامک تذکر حفظ حجاب آمده بود و چون همان زمان من در حال عبور از خیابان بودم گمان می‌کرد مسبب این اخطار من هستم. کمی با او جر و بحث کردم اما متوجه شدم که این بحث بی‌فایده است. برای همین راهم را گرفتم و با بچه‌هایم از خودرو او و همراهانش دور شدم. اما فقط چند دقیقه بعد او به سمت من حمله کرد و بی‌هوا از پشت سرم چادرم را کشید. حجابم را از سرم برداشته بود و در حمله او حتی مهلت نمی‌کردم چادرم را از روی زمین بردارم و حجابم را مرتب کنم. در همان لحظه یکی از پسران کوچک همراه او به من حمله کرد و من را با کفش خود چند بار به سر و صورت من زد. من که در آن لحظات گرفته بودم که کشیدن چادر سبب زمین خوردن او شد. خانمی که حمله کرد، کینه را از دستم می‌خواستم کاری کنم اوضاع کمی آرام شود به او گفتم مگر بی‌حجابی شما مردم را سیر می‌کند؟ یا چادر پوشیدن من تأثیری در گرسنگی مردم دارد؟ بدین ترتیب بود که با کمک مردم درگیری تمام شده و زن مهاجم دور می‌شود: «مردم کمک کردند که چادرم را سرم کنم. تازه آن وقت بود که فهمیدم ورم سر پسرم خیلی زیاد است و او را سریع به بیمارستان رساندیم.»

با دستگیری زن مهاجم، رسیدگی به پرونده اتهامی او در جریان رسیدگی قضایی قرار خواهد گرفت.